فرود آمده باز نمود که صاحب کتاب و نبوت هر که دعوی ربوبیت کند چون حق تعالی کسی را بشرف نبوت مشرف نسازد الا اگر او
گرد از پیش این کلام صدور نیابد ای غیر انسان زاده و فترت نظری و علمی ما دام که فترت نظری بعلوم و معارف حقیقت کامل نباشد
و فترت عملی از اخلاق کمو بهیه و اوصاف نامستوده پاکیزه نبود نفس مستعد قبول وحی نتواند بود پس معلوم کرد که نبوت بعد از کمال
علم است و علم کامل نعمت رسمه و این دعوی القاء وحی غیر از نفس طاهر و نباشد و طهارت نفس ملطور این معنی جمیع نشود
محققان گویند نبوت ابعاد از مرتبه ولایت باشد که فنا و فنا تر است پس کسی که تنها سجایه شهرت او را با فنای او از نفس خود او داشت
و بعوض آن وجود حقیقی نورانی عطا فرموده و خلق را بخود دعوت شود اندک در زیر که در نبوت او را از مقام خودی بیرون برده اند از آن فنا
کسب دعوت بخود است فانی که او پس هیچ نبی نگوید که مرا برسید ولکن کونوا ولیکن گوید باشید ای ربانیان
ربانیین ع ربانیان دین و اساتیر آن دانش بما کنتم بسبب آنکه باشید شما که از روی خلوص تعلمون الکتاب
بیاموزید و بدیگران از کتابی که از حق فرو آمده و اگر تخفیف خوانند از علم باشد و معنی آنکه ربانی باشید یا که بدانید کتاب را بما کنتم
تدرسون و یا که باشید شما که پیوسته تجزیه کتاب را بدرست آن موافقت نمایید علما را در لفظ ربانی صباحت است معنی
منسوب در زندیان که منسوب بانوت از رب ربت معنی او آنکه پرورنده و مراد اینجا پرورش علمست با فاده و استفاده
پس فانی آن باشد که علم خلق را پرورش دهد و بتدریج رفع طاقت ایشان را ایشان می آموزاند آنرو که عبد الله عباس فانی خود زنی نگاه
محمد بن الحنفیه رحمه الله که مات ابوه ربانی هذه الامة و زیرا که منسوب بربیت در اصل ربانی بود و معنیش آنکه علم او از فهم است
و برای خداوند الف و نون جهت تکلم این معنت زیاده کرده اند چنانکه لیان و شعرانی و ابو عبیده بر آنست که این کلمه عربی نیست
بلکه عبریست و السنافی را درین نام معنی دیگر دانند که عالم عامل شد و تجلیل عبر مشتق گویند سریانیست و معنی او عالم باشد و فقیه علم
و متقی و مصلح و مخلص و ناصح و پرهیزکار و معلم و عابد و متدین و شناسا با خبار گذشتگان و وزیر الدین علم و منقولست که ربانی
کسیست که علم را بعمل بیاراید بعمل آنچه علم دریافت دهد تا کامل باشد در عمل علم ای عزیز ربانی را نسبت بر نسبت و صحت آن نسبت
موقوف باشد بر علم و دوس که در علم آوردن گشت بعمل بی علم و علم بی عمل آن نسبت درست نشاند بود پس عالمی که
بمقتضای علم خود عمل کند و عالمی که عمل او بر نیت علم آراسته نباشد منقطع النسبت اند از حق سبحانه و بکلمه مهر بیخ پیشه
بزرگی گشته که کار دانش بدو دانش کل و کار بی دانش خالی است و دانش بیکار ساقط از درجه اعتبار در نیاید آمده که عالم بی عمل مانند
چاهست از جهت عدم نفع علم نه و هر که داند و نکند چاهست که که بیاندازد روشی باز از علم بنقد عملست چه فایده دست آنقدر آن
که او را کار نزاید نه اگر بیند و از دور تماشا نماید ع چون جنگ بیگنی چه بدی شیر و همچنین شرف نیه علم بر نیت
علمست چه علمی که بیتی بر علم باشد از سبب محبت و در است و عمل عزیز هیچ او دولت قبول محمود بیت شرف علم بر علمست
چکنم جوهری که آن علمست و در کلمات با برکات مرتضی علی آمده که از عالم تشنگ و جاهل تشنگ سکایت فرموده اند گفت
که آن عالم تشنگ و خود بینی مردمانرا از دانش سیر ماند و آن جاهل تشنگ که او شیر تشنگی خلق را بجهل لعب میکرد اند و آن

تنبیه در غیب موجب اندام احکام و نیت در مفاتح آورده که بکلام این تعلم بعلم جهت گفت که آنرا فی شرایس هر که فرشتگان
بعلم در پس شرع برای این مقصود و کند سعی اهل و هر شرع ضایع و بیچاره است و مثل او مثل کسیست که زنی نیکو نبات نباشد و بنظر
آن بتعب گشته از شرم آن منقطع گردد و البته آنحضرت رسالت مو فرمود که اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع بیت علم آن
عمده پرهیز باید : ای درویش ربانیان بزبان آل حرف بخوانند قدم بر سر دو گیتی زده و بحقت کل چیز مرتبه نعمت
نشسته حرف غیر نفس از صفحه پندارشان : و حقایق القرآن گفته که ربانیان اوراد بکمال عبودیت و تخلق باخلاق ربوبیت
چنانچه بصیر و السامع مستور شوند و باسماع ارواح مطهره و درک حقایق اشیا با سرار صافیه مظهر انوار تجلیات جمالی و جلوه از کرشمه
و فانی آنست که از سایه توانیت نفس مردود نباشد و ظل عنایت معبود برو باشد و کشف اندر بانی که در شریعت بطن خود تقصیر نکند
و در طریقت دل خود را بحق دهد و قایم منزل نه شود در حقیقت سر خود را از اندیشه ماسوی پاک باید کسی که تصاریف اقدار
با خلاف اطوار او را ناخوشنود باشد و بکلمه در وقت در و قضا نمود و فرو رفتن باشد با کسی که گنج هزار بغداد نگزیند و دل خود را از هر دو کون
جز خود بکون نه بیند یا کسی که طوبی نعمت پای استقامت او را از جایی نبرد و هیچ محنت فوق محنت او را پایمال خویش گرداند یا کسی که حقیقتی
شده بخدای باسیح واسطه در مقام التفات نیاید و از اشعه لمعات کنت سمعه و بصره و قت باسل خود دانش نماید و از جهالت گشته که
ربانی علم از حق و ذکر و بطریق دهب و کشف که وعلمناه من لدنا علما و قول امام جعفر صادق مو موید آنست که ربانی فرحق شنود
بحق گوید ای در پیش سابط در رابط در علوم ربانیان مثل منیت سخن سلطان العارفین بینی اشارتی خواهد که اخذ عطاء
منا عرفت کاخذنا علما من لدنی الذی لا یموت بیت علم کان نبود و جهل بسط : نی نماید چو یک شط : و انشا یکه فرا
بود تا همیشه فیض او باقی بود : پس چه علمی نیاموزد : که بیاید سید از آن پاک کرد : هر که در نعمت بپیش دفت از او
زدن شما بجوید دستگاه : همچو موسی نور کی باید چه بیخ اسپ او شاگرد کیست : مصطفی کز وحی نبود از هوا : همچو
خاکی در هوا و در هباست : و هم از لطایف قشیریه است که ربانیان و نمایان باشند بخدای بر دیاران در راه خدای قایمست
با نه فانی از ماسوی خاسته شوند و ایشان از دست و گفت ایشان بدو بیت با او گویند گنج از دیشه نه : سنگی گفته که ربانی بجز
حقانی از مرتبه اشارت که بآب خاکه بر در بر اصحاب بحقیقت خلق پاک ترقی باشد و شیخ ابو بکر واسطی فرموده که فرقه زال ابو بدون
بوزگر نیز فرقی آنست و کل فخر نمودن سید الطایفه رحمه الله که بنده حق سبحانه فانی را از دیدار او بیرون بر دو ماسوا
خود و اضافت بصفات حق درست کرده و در کشف اسرار میگوید ربانیان از خاصیت با تقاضای که آن نسبت با دلی زنده کان
تعلق است با خلق نه بمعنی اهل کرفان برانند که طالب امر تماش نباشد بعلم و عمل بمعنی که نام ربانی فرو دی طلبان گشتند و آن بدان
خواهد بود که صفات بر وی مستولی شد و صفت بشریت مسلوب گردد و شیخ ابو القاسم گرگانی فرموده که تا بنده

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)